

آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن

جلد ششم

امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ

محمد بهشتی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۷

بهشتی، محمد، ۱۳۳۳ -
 آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن / محمد بهشتی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۳۰۰ -
 ج. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۶۸: علوم تربیتی؛ ۵۱) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۲۲۶۹: علوم تربیتی؛ ۱۵۶)

ج ۵: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۸۸-۶۷-۰-۰؛ ج ۶: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۲۱۷-۹-۰

بها: ۳۶۰۰۰۰ ریال

فیپا.

فهرست نویسی براساس جلد پنجم، ۱۳۹۴.

چاپ چهارم.

ج ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیپا)

کتابنامه.

نمایه.

مندرجات: ج ۵. فیض کاشانی. - ج ۶. امام خمینی.

۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۰۰۶-۱۰۹۱ (ق) - دیدگاه درباره آموزش و پرورش. ۲. آموزش و پرورش. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ج. عنوان.

۳۷۰ / ۱

ی ۳۰۰ آ ب / ۱۴ / ۷ LB

۱۰۳۳۹۲۰

شماره کتابخانه ملی



آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن؛ جلد ششم: امام خمینی (ره)

مؤلف: محمد بهشتی

«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشگاه تحقیق و توسعه علوم انسانی» و «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)»

ویرایش: سیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلاساعت است.

قم: شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) -
 شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵ - ۳۱۵۱ • تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ -
 مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۶ - ۳۷۸۴۲۶۳۵ - ۰۲۵

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
 تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، شماره: ۴۴۲۴۸۷۷۷ • تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، شماره: ۶۶۴۰۵۶۷۸

Website: www.samt.ac.ir

Email: info@samt.ac.ir

تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و خیابان فخررازی، مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره))، تلفن ۶۶۴۰۴۸۷۳ - ۰۲۱

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	ضرورت پژوهش
۵	الگوی پژوهش
۷	دورنمایی از اهداف کتاب
۸	نگاهی به شخصیت تاریخ‌ساز امام خمینی (ره) و آثار علمی ایشان
۸	الف) ویژگی‌های برجسته
۸	۱. جامعیت شخصیت
۱۰	۲. قله ایمان و خلوص
۱۱	۳. برجستگی عرفانی اخلاقی
۱۴	۴. فقاقت و اجتهاد
۱۶	۵. فراست و سیاست
۱۸	۶. صلابت و قاطعیت
۱۹	۷. سبک زندگی
۲۳	ب) آثار علمی
۲۹	فصل اول: کلیات
۲۹	مقدمه
۳۰	روش تحقیق
۳۲	۱. مفهوم‌شناسی تربیت از نگاه امام خمینی (ره)
۳۳	۱-۱. تربیت
۳۷	۲-۱. تزکیه
۳۹	۳-۱. تهذیب
۴۰	نتیجه بحث
۴۱	۲. ماهیت و حقیقت تربیت

۴۸	۳. رویکردهای تربیتی و ویژگی‌های اندیشه تربیتی امام خمینی علیه السلام
۴۹	الف) رویکردهای اخلاقی تربیتی دانشوران مسلمان
۵۰	ب) رویکرد تربیتی امام خمینی علیه السلام
۵۰	ج) محورهای رویکرد تربیتی امام خمینی علیه السلام
۵۳	د) ویژگی‌های اندیشه تربیتی امام خمینی
۵۵	فصل دوم: تربیت اعتقادی و عبادی
۵۵	مقدمه
۵۸	۱. حدود، مفاهیم و قلمرو
۶۰	الف) تربیت دینی
۶۱	ب) تربیت اعتقادی و عبادی
۶۲	۲. رویکرد امام خمینی در تربیت اعتقادی و عبادی
۶۲	اول) فطرت و مدار
۶۳	دوم) عقلائیة محراب
۶۴	سوم) دارای مراتب بود
۶۴	چهارم) ابتدا بر علم و یقین
۶۵	پنجم) اشراق بعد ولایی و امامت
۶۵	ششم) مشارکت و همراهی
۶۶	۳. اهمیت و ضرورت تربیت اعتقادی و عبادی
۶۹	۴. مبانی تربیت اعتقادی و عبادی
۷۰	الف) مبانی هستی‌شناختی
۷۱	۱. واقعیت داشتن جهان هستی
۷۲	۲. مرتبه‌بندی جهان هستی
۷۳	۳. فقر ذاتی جهان هستی
۷۴	۴. مبدأ جهان هستی
۷۶	۵. معاد جهان هستی
۷۸	ب). مبانی انسان‌شناختی
۷۸	۱. ساختار ترکیبی انسان
۸۰	۲. تجرّد و جاودانگی نفس
۸۱	۳. برخورداری از فطرت الهی
۸۳	۴. آگاهی و خردورزی
۸۳	۵. قدرت اراده و اختیار
۸۴	۶. کمال‌جویی انسان
۸۶	۷. فلسفه حیات انسان

۸۷	۸. پویایی و ضرورت نفس ناطقه
۸۷	۹. تکلیف‌گرایی
۸۸	ج) میانی معرفت‌شناختی
۸۹	۱. هویت معرفتی انسان
۹۰	۲. ممکن بودن معرفت
۹۱	۳. منابع و ابزار معرفت
۹۴	۴. ارتباط معرفت و تهذیب نفس
۹۴	۵. معیارشناسی معرفت
۹۵	۶. شناخت انواع علوم و معارف
۹۶	تحلیل و بررسی
۹۸	۵. اهداف تربیت اعتقادی و عبادی
۹۹	معنای هدف
۹۹	نقش هدف
۱۰۰	طبقه‌بندی اهداف تربیت
۱۰۰	۱-۵. هدف غایی تربیت اعتقادی و عبادی
۱۰۲	تحلیل و بررسی
۱۰۳	۲-۵. اهداف میانی تربیت اعتقادی و عبادی
۱۰۳	۱. خودشناسی
۱۰۵	۲. شناخت و پذیرش آگاهانه اصول دین
۱۰۶	۳. باور قلبی و تقویت ایمان
۱۰۶	۴. التزام قلبی و عملی به عبادت
۱۰۷	۵. تکمیل و تعالی شخصیت
۱۰۸	۶. قیام‌الله و مبارزه با کفر و شرک و نفاق
۱۰۹	۳-۵. اهداف جزئی تربیت اعتقادی و عبادی
۱۰۹	یکم، یادگیری معارف اعتقادی و عبادی
۱۱۰	دوم، تفهیم قلبی معارف اعتقادی عبادی
۱۱۱	سوم، انجام اعمال عبادی
۱۱۱	چهارم، تکرار و تمرین عبادات و اذکار
۱۱۱	پنجم، کنار گذاردن گفتار و رفتار منافی ایمان
۱۱۱	ششم، تقوای عملی
۱۱۲	۶. اصول تربیت اعتقادی و عبادی
۱۱۲	یک) اصل عقلانیت و اصل تعبدیت
۱۱۳	دو، اصل تحول مستمر

۱۱۴	سه، اصل توازن و اعتدال
۱۱۵	چهار، اصل تدریج
۱۱۶	پنج، رعایت اولویت‌ها
۱۱۷	۷. آموزش‌های اعتقادی
۱۱۸	الف) توحید
۱۱۹	۱. معنا و مفهوم توحید
۱۱۹	۲. ارکان توحید
۱۲۱	۳. توانایی و ناتوانی بشر در شناخت خدا
۱۲۲	۴. چگونگی بهره عقلی و بهره قلبی درباره خداوند
۱۲۳	۵. براهین اثبات باری تعالی
۱۲۵	۶. شناخت اسماء و صفات باری تعالی
۱۲۶	۷. مهارت سبعه
۱۲۷	۸. راه رسیدن به توحید
۱۲۷	ب) نبوت
۱۲۸	۱. معنا و مفهوم نبوت
۱۲۸	۲. حقیقت نبوت
۱۲۹	۳. فلسفه وحی و نبوت
۱۳۱	۴. اهداف و مقاصد پیامبر اعظم ﷺ
۱۳۲	۱-۴. معرفه الله و بسط توحید
۱۳۲	۲-۴. انسان‌سازی
۱۳۳	۳-۴. عدالت اجتماعی و حکومت دینی
۱۳۴	۴-۴. توسعه و پیشرفت
۱۳۵	۵. جامعیت و خاتمیت اسلام
۱۳۶	۶. عظمت قرآن کریم
۱۳۷	۷. مقام و شخصیت عظیم پیامبر اعظم
۱۳۹	ج) امامت
۱۴۰	۱. حقیقت امامت، ولایت و خلافت
۱۴۱	۲. فلسفه امامت و جانشینی پیامبر اعظم ﷺ
۱۴۲	۳. تعیین امام و خلیفه
۱۴۴	۴. برکات وجودی ائمه هدی
۱۴۴	د) معاد
۱۴۵	۱. معنا و مفهوم معاد
۱۴۶	۲. حقیقت معاد

۱۴۶	۳. اثبات معاد
۱۴۸	۴. توصیف معاد
۱۵۰	۵. معاد جسمانی و روحانی
۱۵۲	۸. آموزش‌های عبادی
۱۵۳	۸-۱. معنا و مفهوم عبادت
۱۵۴	۸-۲. فلسفه عبادت
۱۵۶	۸-۳. آداب عبادت
۱۵۸	۸-۴. آموزش نماز
۱۵۹	۸-۵. آموزش روزه
۱۶۰	۸-۶. آموزش حج
۱۶۲	۸-۷. آموزش خزان کریم
۱۶۳	۸-۸. آموزش ذکر و تهجد
۱۶۴	۹. روش‌های تربیت اخلاقی و عبادی
۱۶۴	۹-۱. آموختن و یاد گرفتن
۱۶۶	۹-۲. رفق و مدارا
۱۶۷	۹-۳. تکرار و تمرین
۱۶۸	۹-۴. روش اسوه‌سازی
۱۶۹	۹-۵. تضرع و استغاثه
۱۷۱	فصل سوم: تربیت اخلاقی عرفانی
۱۷۱	مقدمه
۱۷۲	۱. مفهوم‌شناسی
۱۷۳	۱-۱. تعریف اخلاق
۱۷۴	۱-۲. تعریف عرفان
۱۷۸	۱-۳. تعریف تربیت اخلاقی
۱۷۹	۱-۴. تربیت عرفانی
۱۷۹	۱-۵. وجوه اشتراک و افتراق تربیت عرفانی و تربیت اخلاقی
۱۸۰	۱-۶. پیشینه عرفان اسلامی
۱۸۲	۱-۷. ویژگی‌های رویکرد عرفانی اخلاقی امام خمینی رحمته الله علیه
۱۸۸	۲. اهمیت و ضرورت تربیت اخلاقی و عرفانی
۱۹۱	۳. مبانی تربیت اخلاقی و عرفانی
۱۹۱	۳-۱. مبانی هستی‌شناختی
۱۹۲	یکم: وجود حق تعالی (چگونگی وحدت و کثرت وجود)
۱۹۴	دوم: توحید افعالی

۱۹۵	سوم: اسماء و صفات حق تعالی
۱۹۷	۳-۲. مبانی انسان‌شناختی
۱۹۸	یکم) انسان حقیقت جامع (طرفیت وجودی)
۲۰۰	دوم) خلافت الهی
۲۰۲	سوم) انسان حامل امانت الهی
۲۰۴	چهارم) عشق بی‌نهایت انسان
۲۰۵	نگاه اجمالی به دیگر مبانی
۲۰۸	۴. اهداف تربیت اخلاقی عرفانی
۲۰۸	۴-۱. تصفیه اخلاق و تهذیب نفس
۲۱۱	۴-۲. معرفت شهودی
۲۱۳	۴-۳. قُربِ موافا (فنا‌ی افعالی و اسمائی)
۲۱۵	۴-۴. قُربِ تراضِ فنا‌ی ذاتی
۲۱۶	۴-۵. ولایت
۲۱۸	۴-۶. توحید
۲۲۰	۵. اصول تربیت اخلاقی عرفان
۲۲۰	۵-۱. اصل تقدّم تزکیه بر تعلیم
۲۲۲	۵-۲. تحول باطن
۲۲۳	۵-۳. اصل تقدّم اصلاح مرتبی بر متربی
۲۲۴	۵-۴. اصل تسلیم و ولایت‌پذیری
۲۲۵	۵-۵. عزم
۲۲۶	۶. روش‌های تربیت اخلاقی عرفانی
۲۲۷	۱. اما اصلاح و درمان
۲۲۷	- شناخت رذیلت و پیامدهای آن
۲۲۹	- تحمیل بر نفس (عمل به ضد)
۲۳۰	- مبارزه با ریشه‌های رذیلت
۲۳۱	- محبت خدا
۲۳۲	۲. اما اکتساب و تثبیت فضایل
۲۳۲	- عمل به علم (مجاهدت و ریاضت)
۲۳۳	- مشارطه و مراقبه و محاسبه
۲۳۵	- تلقین
۲۳۶	- عبادت
۲۳۷	- یاد مرگ و زندگی اخروی
۲۳۹	۷. دستورالعمل‌های امام خمینی رحمه الله در تربیت اخلاقی عرفانی

۲۴۱	۱-۷. هجرت به سوی فطرت
۲۴۱	۲-۷. اصلاح نفس در جوانی
۲۴۲	۳-۷. محافظت و مراقبت تام بر ظواهر شرع
۲۴۲	۴-۷. مبارزه مُدام با خودخواهی
۲۴۳	۵-۷. متهم کردن نفس
۲۴۴	۶-۷. توجه تام و دائم به خداوند
۲۴۴	۷-۷. تسلیم بودن در برابر پیامبر اعظم و ائمه هدی (علیهم السلام)
۲۴۵	۸-۷. پرهیز از انکار مقامات اولیا
۲۴۶	۹-۷. محافظات و مراقبت تام از حقوق دیگران
۲۴۶	۸. دستورالعمل‌های خاص (برنامه روزانه)
۲۴۹	فصل چهارم: تربیت اجتماعی سیاسی
۲۴۹	مقدمه
۲۵۰	۱. مفاهیم و اصطلاحات
۲۵۰	۱-۱. جامعه
۲۵۱	۲-۱. سیاست
۲۵۲	۳-۱. حکومت
۲۵۳	۴-۱. حق و قانون
۲۵۴	۵-۱. آزادی
۲۵۵	۶-۱. عدالت
۲۵۶	۷-۱. تربیت اجتماعی سیاسی
۲۵۶	۸-۱. تمدن اسلامی
۲۵۸	۲. اهمیت و ضرورت تربیت اجتماعی سیاسی
۲۵۹	۳. میانی تربیت اجتماعی سیاسی
۲۵۹	۱-۳. اجتماعی بودن انسان
۲۶۰	۲-۳. کرامت انسان
۲۶۲	۳-۳. تفاوت استعدادها
۲۶۳	۴-۳. آمیختگی دین و سیاست
۲۶۵	نکته پایانی
۲۶۵	۴. اهداف تربیت اجتماعی سیاسی
۲۶۶	۱-۴. تأمین نیاز و بهره‌وری مشروع
۲۶۷	۲-۴. تربیت شهروند و وظیفه‌شناس
۲۶۸	۳-۴. گسترش دامنه رحمت و برادری
۲۶۹	۴-۴. عدالت اجتماعی

۲۷۰	۵. اصول تربیت اجتماعی سیاسی
۲۷۱	۱-۵. قیام لله (خدا محوری و تعبدمداری)
۲۷۲	۲-۵. اصل توتلی و تبری
۲۷۳	۳-۵. پاسداشت ارزش‌های اجتماعی
۲۷۴	۶. روش‌های تربیت اجتماعی سیاسی
۲۷۵	۱-۶. روش رحمت و محبت
۲۷۶	۲-۶. روش حسن خلق و رعایت ادب
۲۷۹	۳-۶. امر به معروف و نهی از منکر
۲۸۱	۴-۶. ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل و رفاه‌گرایی
۲۸۲	۵-۶. حمایت از حق و مقابله با ظلم
۲۸۳	۷. روش‌های آسیب‌زادر تربیت اجتماعی سیاسی
۲۸۳	۱-۷. شیفتگی
۲۸۴	۲-۷. ترویج یأس و ناامیدی
۲۸۶	۳-۷. برخورد ناصواب
۲۸۶	۸. بایسته‌ها و دستورالعمل‌های تربیت اجتماعی سیاسی در وصیت‌نامه الهی امام خمینی علیه السلام
۲۸۹	فصل پنجم: تربیت علمی، عقلی و فکری
۲۸۹	مقدمه
۲۹۰	۱. مفاهیم و اصطلاحات
۲۹۴	۲. اهمیت و ضرورت تربیت علمی، عقلی و فکری
۲۹۶	۳. مبانی تربیت علمی عقلی و فناوری
۲۹۶	۱-۳. ناآرامی ذاتی جهان مادی (حرکت جوهری)
۲۹۷	۲-۳. جهان هستی آیت و نشانه علم و قدرت و حکمت خداوند متعال
۲۹۸	۳-۳. انسان موجودی دانش دوست و خردمند
۳۰۰	۴. اهداف تربیت علمی، عقلی و فناوری
۳۰۱	۱-۴. دانش‌افزایی
۳۰۲	۲-۴. ایجاد تمدن اسلامی
۳۰۴	۳-۴. تقویت باورهای دینی در راستای تلازم تخصص و تعهد
۳۰۵	۵. اصول تربیت علمی، عقلی، فناوری
۳۰۵	۱-۵. اصل پویایی و نقادی
۳۰۶	۲-۵. اصل همه‌جانبه‌نگری
۳۰۷	۳-۵. اصل توجه به محدودیت‌های عقل
۳۰۸	۶. روش‌های تربیت علمی و عقلی
۳۰۸	۱-۶. ساده‌گویی و بی‌تکلفی
۳۰۹	۲-۶. رعایت ادب گفتگو

۳۰۹	۳-۶. پرسش و پاسخ
۳۱۰	۴-۶. تربیت به روز
۳۱۱	۵-۶. روی آوردن به دعا، نیایش، تضرع و تلاوت قرآن
۳۱۲	۷. بایسته‌ها در تربیت علمی، عقلی و فناوری
۳۱۵	فصل ششم: تربیت زیبایی‌شناختی و هنری
۳۱۵	مقدمه
۳۱۶	۱. مفاهیم و اصطلاحات
۳۱۶	۱-۱. زیبایی
۳۱۷	۲-۱. زیبا
۳۱۷	۳-۱. اقسام زیبایی
۳۱۹	۴-۱. مراتب زیبایی
۳۱۹	۵-۱. چگونگی ترک زیبایی
۳۲۰	۶-۱. معنا و مفهوم هنر
۳۲۱	۷-۱. اقسام هنر
۳۲۲	۸-۱. هنر در دنیای معاصر
۳۲۳	۲. ضرورت و اهمیت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری
۳۲۵	۳. مبانی تربیت زیبایی‌شناختی و هنری
۳۲۵	۱-۳. الهی بودن ریشه زیبایی
۳۲۶	۲-۳. خلاقیت انسان
۳۲۷	۳-۳. وجود دیده حقیقت‌بین و درک زیبایی آفرینش
۳۲۸	۴. اهداف تربیت زیبایی‌شناختی و هنر
۳۲۹	۱-۴. پرورش ادراک زیبایی‌شناختی
۳۳۰	۲-۴. آفرینش هنر پاک
۳۳۰	۵. اصول تربیت زیبایی‌شناختی و هنر
۳۳۱	۱-۵. رشد و هدایت زیبایی‌گرایی و قدرت تخیل
۳۳۱	۲-۵. رشد خلاقیت و قدرت ابتکار
۳۳۳	۶. روش‌های پرورش زیبایی‌گرایی و تلطیف ذوق
۳۳۳	۱-۶. مطالعه خلاق
۳۳۴	۲-۶. بهره‌گیری از نمادهای معنوی
۳۳۵	۳-۶. آموختن روش زندگی شرافتمندانه
۳۳۶	۷. بایسته‌ها و دستورالعمل‌ها در عرصه زیباشناسی و هنر
۳۳۹	منابع و مأخذ
۳۴۷	نمایه‌ها

مقدمه

امام خمینی به شخصیت تاریخ‌ساز و از دانشوران برجسته اسلام و ایران و مدیر کلان راهبردی جامعه اسلامی و یکی از امرای ایمانان در قرن چهاردهم هجری است. اهمیت و برجستگی وی، به جامعیت در شخصیت و جامعیت در علوم گوناگون و فراوانی آثار منحصر نمی‌شود، بلکه وی اندیشمندی نوپرداز، نظریه‌ساز، مصلحی بزرگ، احیاگری پرتوان، و ولایتمداری غیرتمند است که ابعاد اخلاقی، تربیتی، فقهی، عرفانی، سیاسی و اجتماعی اسلام را احیا کرد و امت اسلامی را با اسلام جامع‌نگر آسنانا ساخت. تعهد و پایبندی دینی، وارستگی اخلاقی، شوریدگی عرفانی، حسن سلیقه، طبع لطیف و نصف قریحه، از درخشش‌های دیگر خورشید وجود اوست.

فرازمندی و فروزندگی اندیشه‌های امام خمینی از - هات گوناگون است:

نخست، اینکه وی با بهره‌گیری از آموزه‌های غنی، جامع، کامل و نظام‌مند اسلام، اندیشه خود را نظام‌مند و منظومه‌وار، مبتنی بر بنیان‌هایی فکری، با محوریت توحید، و معرفه‌الله، و ناظر به نیازهای ثابت و متغیر فرد و جامعه ارائه داد؛

دوم، اینکه منظومه اندیشه توحیدی امام خمینی علیه السلام تنها به این سمت و ریسست که اندیشه و باور افراد و مدیران جامعه را بارور سازد، بلکه بر آن است تا در مجموعه جامعه و تاریخ اسلامی سریان یابد و امت اسلامی را به سوی پیشرفت و احیای تمدن اسلامی پیش برد؛

سوم، اینکه مهم‌ترین بخش منظومه فکری امام خمینی علیه السلام نظام تربیتی، عرفانی و اخلاقی اوست که بر بخش‌های دیگر نظام فکری ایشان تأثیر جدی داشته است. در نظر امام خمینی علیه السلام بزرگ‌ترین مقصد پیامبران، تزکیه و تهذیب و تعلیم انسان و فراهم ساختن زمینه‌های پرورش روح و حرکت تکاملی او به سوی خدای متعال و رساندن او به مقام بندگی است.

نگاه امام خمینی به تربیت نظام‌مند است و می‌توان با استفاده از آثار وی، اندیشه تربیتی او را در ساحت‌های گوناگون تربیت، به عنوان نظامی تربیتی به دست داد و عناصر اصلی نظام تربیتی را که شامل مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها و... هستند بررسی کرد.

ضرورت پژوهش

شناخت اندیشه‌های تربیتی امام خمینی علیه السلام و نیز آگاه شدن از منش تربیتی ایشان به منظور استنباط و ارتقای تعلیم و تربیت اسلامی و دستیابی به دیدگاه‌های جامع، عمیق، ابداعی و نظام‌مند تربیتی، و نیز برای تربیت جامعه کنونی و نسل جدیدی که تشنه تربیت معنوی، عرفانی و اخلاقی است، اهمیت بسیار دارد.

مهم‌ترین جهات ضرورت و اهمیت بازشناسی مکتب تربیتی امام خمینی عبارت‌اند از:

۱. امام خمینی علیه السلام دانشمند بزرگ و فقیه نامدار جهان اسلام و پیرو مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است و آراء و مکتب تربیتی او متأثر از معارف بنیادین دینی و متون اصلی دین است و بی‌تردید بازشناسی واقعیت پژوهش در اندیشه و منش تربیتی او می‌تواند صاحب‌نظران و محققان را در زمینه تربیت اسلامی مهیا سازد. به آموزه‌های اصلی این دین یاری رساند.

۲. جامع بودن شخصیت امام خمینی علیه السلام به یژه بعد اخلاقی عرفانی تربیتی وی نیز تحقیق و پژوهش و بازشناسی مکتب تربیتی ایشان را ضروری می‌سازد. چنان که پیش از این اشاره شد، ایشان افزون بر احاطه علمی در عرصه‌های معرفتی، فلسفی، حدیث، تفسیر، فلسفه، عرفان، اخلاق و تربیت، در مسائل اجتماعی و سیاسی و حکومتی نیز به دلیل دید عمیق و فراست ذاتی و مطالعه کاوش‌گرانه در رخدادهای اجتماعی و وضعیت جوامع اسلامی، به‌ویژه جامعه ایران، از بینش و معرفتی ژرف بهره‌مند بود. بدیهی است بررسی و تحلیل رسدین آرای تربیتی چنین شخصیتی نقش مؤثری در تربیت فرد و جامعه خواهد داشت.

۳. از بنیادی‌ترین ابعاد شخصیت امام خمینی علیه السلام، منش و روش اخلاقی عرفانی و باور جدی وی به سلوک اخلاقی و عرفانی و تربیت معنوی است. وی با اعتصام به حبل و وثیق ولایت و امامت و با استناد به اخبار و آثار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آثار بزرگی در باب اخلاق و تربیت و عرفان، از قبیل شرح حدیث جنود عقل و جهل، شرح چهل حدیث، سر الصلاة، آداب الصلاة، مصباح الهدایه و مانند آنها پدید آورد که در تبیین لطایف اخلاقی و عرفانی و تربیتی از کتاب‌های بی‌نظیر در نوع خویش به شمار می‌آید. مطالعه، بررسی و تأمل در این آثار نشان

می‌دهد که امام خمینی علیه السلام در حوزه تربیت، اخلاق و عرفان دارای آرا و دیدگاه‌های بدیع و نوآوری‌های درخوری است که شناخت، تحلیل و بررسی آنها می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل تربیتی اخلاقی امروز جامعه بشری باشد.

۴. بدون تردید امام خمینی علیه السلام از مربیان بزرگ در جهان اسلام به شمار می‌آید، بلکه مربی بودن وی نقطه عطف زندگی پربار اوست. تأثیر کلام ساده و رفتار بی‌پیرایه ایشان جان و دل شیفتگان اخلاق و تربیت و حق و عدالت را نورانی و مشتعل ساخت و اندیشه و باور و شخصیت آنان را دگرگون کرد و با نغمه روح الهی و نفس مسیحایی خویش مردمی دیگر ساخت و راه روشن تربیت اسلامی را در پیش دید مسلمانان بلکه بشریت نهاد.

مربی راقع کسی است که اول، انسان و شئون وجودی او را بشناسد و نظری جامع در مورد انسان و نیازها و ابعاد وجودی او داشته باشد؛ دوم، راه تربیت انسان را بداند و برای آن راهکارهای مشخص و معین به دست دهد؛ سوم، خود نیز راه تربیت را رفته و بدانچه می‌گوید عمل کرده باشد و تضادی میان اندیشه و رفتار و فکارش نباشد؛ چهارم اینکه، دلسوز و خیرخواه باشد.

صاحب نظران و محققان و کسانی که شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی امام خمینی را درک کرده‌اند می‌دانند که همه ویژگی‌های یک مربی به صورت جامع و کامل در وجود آن بزرگوار ظهور داشت و از همه مهم‌تر اینکه همه این‌ها به‌ای کامل از اندیشه‌های تربیتی، اخلاقی و عرفانی بود و مراحل سیر و سلوک و مجاهدت نفسانی با آنجا پیموده بود که خود برهان قاطع و آیت عظمای اخلاق و استادی بزرگ در تربیت بود، چنان‌که در انتقال فضایل معنوی و تربیت نفوس و القای عظمت معنوی و حس مسئولیت و تعهد و ایجاد حس نیاز دائمی به اخلاق و تربیت در شاگردان و در همه مردم بسیار موفق بود.

۵. اقتدار ملکوتی امام خمینی در جذب و تطهیر قلوب و تربیت نفوس اعیان انگیز بود. او با ظهورش، آفتاب پرفروغ تربیت و اخلاق را با درس‌های اخلاق بی‌نظیر، آفتاب کتاب و با سخنرانی‌ها، نامه‌ها و پیام‌ها در همه جا گستراند و خاطره مربیان بزرگ الهی را در خاطره‌ها زنده کرد. کسانی که در درس‌های اخلاق و تربیت ایشان شرکت داشته‌اند از تأثیر تربیتی شگرف سخن وی در تربیت نفوس و تطهیر قلوب بسیار گفته‌اند. استاد مطهری می‌گوید:

درس اخلاقی که وسیله شخصیت محبوبم در هر پنج‌شنبه و جمعه گفته می‌شد و درحقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود، نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا سرمست می‌کرد و بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای این درس مرا آنچنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد خودم را شدیداً تحت تأثیر آن می‌یافتم بخش مهمی از شخصیت فکری و روحی من در آن درس

و سپس در درس‌های دیگری که طی دوازده سال از آن استاد الهی فراگرفتم انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم. راستی که او «روح قدسی الهی» بود.^۱

آیت‌الله سبحانی نیز می‌گوید: «حضور در درس امام خمینی انسان را به دنیا و زخارف آن چنان بی‌علاقه می‌کرد که انسان فقط و فقط به معنویات ارجح می‌نهاد، آن درس مسئله سیر و سلوک را به تدریج در میان فضلا رایج ساخت و غالب افراد کوشش می‌کردند که گفتار و رفتار خود را با اخلاق اسلامی وفق دهند».^۲

۶. امام خمینی رهبر یک انقلاب بزرگ فرهنگی، دینی و سیاسی بود که توانست یکی از رژیم‌های استبدادی و دست‌نشانده را سرنگون سازد و جمهوری اسلامی را جایگزین آن نماید و به مدت ۲۸ سال، همه شئون و ابعاد جامعه را رهبری و اداره کند. بی‌تردید رهبر چنین انقلابی دارای دیدگاه‌ها و ایده‌ها و اندیشه‌های تربیتی سترگ و تجربه‌های ارزشمند و راهگشا — در زمینه تربیت فردی و اجتماعی — است. از این روی استخراج و تبیین و تحلیل اندیشه‌های تربیتی این نام‌آور — رهبر بزرگ و وظیفه‌ماست. اندیشه تربیتی او مبین اندیشه تربیت اسلامی، و نیز عاملی برای ساخت فرهنگ و تمدن اسلامی است.

خلاصه سخن آنکه بن‌مایه و راسخ تربیت امام خمینی بر سه امر استوار است: یکی، توجه ویژه به فرهنگ و اندیشه اسلامی. اهمیت این امر با توجه به اینکه ستون فقرات فرهنگی جامعه ما را پیوند عمیق مردم با اسلام تشکیل می‌دهد، روشن است؛ دوم، رویکرد امام خمینی در زمینه تربیت است که پرورش روحی و معنوی بوده و به‌طور کلی مقصود وی از تربیت، ربانی شدن و خداگونه شدن است؛ و سوم، جنبه اجتماعی داشتن تعلیم و تربیت است، پیش از آنکه جنبه فردی داشته باشد، که این نکته نیاز به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی را نشان می‌دهد و همکاری و همگامی نهادهای مختلف اجتماعی را می‌طلبد. دلالت این امور بر ضرورت پژوهش حاضر روشن است. حاصل آنکه، استخراج و تبیین آرای تربیتی امام خمینی، بستری مناسب در حوزه تربیت اسلامی است و زمینه را برای دستیابی به دیدگاه‌های ابداعی و روشمند در تربیت اسلامی فراهم می‌آورد.

گفتنی است تاکنون اندیشه‌ها و نگرش‌های تربیتی امام خمینی به صورت تحقیقی جامع، منسجم و سامان‌مند و همه‌جانبه و در قالب طرحی سازوار با متون تربیتی روز نگاشته نشده

۱. مطهری، علل گرایش به مادیگری، ص ۱۰.

۲. مکارم شیرازی، «ابعاد شخصیت حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی»، مجله مکتب اسلام، س ۲۹، ش ۳، ص ۱۶.

است. هرچند در بررسی آرا و افکار تربیتی امام خمینی کارهای پژوهشی چندی صورت گرفته که هر یک در حد خود ارزشمند است، اما بیشتر آنها یا به صرف گردآوری سخنان اختصاص یافته، یا به بعدی از ابعاد اندیشه تربیتی امام خمینی پرداخته و دیگر ابعاد مغفول مانده‌اند، یا به‌طور عمده بر صحیفه امام و بر مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های امام خمینی متکی‌اند و از آثار مکتوب وی در اخلاق و عرفان و فقه و سیاست و تربیت کمتر استفاده شده است؛ اما بنای این پژوهش، اولاً بر استفاده مستقیم از همه آثار و تألیفات امام خمینی علیه السلام است و ثانیاً، سعی شده به صورت جامع و نظام‌مند و با تفسیر و تحلیل، آرا و اندیشه‌های تربیتی امام خمینی بررسی شوند.

الگوی پژوهش

منظور از الگو در اینجا قالب و چارچوبی کلی برای بیان مطالب و مسائل معین است که چارچوب طرح تحقیق و پژوهش به شمار می‌آید؛^۱ و منظور از الگوی پژوهش در تدوین نظام تربیتی، طرح‌واره مفهومی نظام تربیتی و شکل از عناصر مربوط به جریان تربیت و روابط میان آنهاست که پاسخ‌های مستدل و عامی را برای هدایت و مربیان در عمل تربیتی فراهم می‌آورد.^۲ هر مکتب و نظام تربیتی را می‌توان با الگوی تحقیق تبیین و تدوین کرد:

۱. الگوی مؤلفه‌های نظام تربیتی. مؤلفه‌ها یا عناصر نظام تربیتی عبارت‌اند از مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل، موانع و مراحل تربیت. براساس این الگو، پاره‌ای از پژوهشگران آثار و تألیفات دانشوران مورد نظر خود را مطالعه کرده و از آنها با مبانی، اهداف، اصول و دیگر مؤلفه‌ها و عناصر تربیت را استخراج و استنباط می‌کنند.

۲. الگوی ساخت‌های تربیت. واژه ساخت، به معنای عرصه، پهنه، میدان، پیشگاه، ناحیه، محوطه و حیاط است؛^۳ و ساخت‌های تربیت به معنای عرصه‌ها، بساط‌ها، انواع تربیت‌اند. اندیشمندان و نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت با نگاه به ابعاد وجود انسان و لزوم تربیت همه‌جانبه او، برای تربیت، ساخت‌های متنوع و متعددی ذکر کرده‌اند؛ از جمله سند تربیتی که دربرگیرنده مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی است، ساخت‌های

۱. مهرگان، مدل‌سازی ریاضی، ص ۱۱؛ و نیز: تقوی‌نژاد، الگوها و پیش‌نیازهای مدل برنامه‌ریزی، ص ۱ و ۲.

۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری

اسلامی ایران، ص ۲۸۸. ۳. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۳۹۶۲.

تربیت را بدین گونه معرفی کرده است: الف) ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ب) ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ج) ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری؛ د) ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ه) ساحت تربیت زیستی و بدنی؛ و) ساحت تربیت علمی و فناوری.^۱ برخی پژوهشگران علوم تربیتی براساس الگوی ساحت‌های تربیت، به تبیین ساحت‌های مختلف تربیت از نگاه یک شخص یا مکتب و نظام تربیتی می‌پردازند.

۳. الگوی تدوین تک‌ساحتی، که بر طبق آن تنها به پژوهش در یکی از ساحت‌های تربیتی می‌پردازند. الگویی که در این نوشتار برای تبیین و تدوین اندیشه تربیتی امام خمینی به کار گرفته‌ایم، الگوی دوم، یعنی الگوی تعیین ساحت‌های تربیت — با الهام از اقسام ذکر شده در سند تربیتی مذکور — است. دلایل این امر چنین‌اند:

اول، این الگو همه ابعاد و شئون وجودی آدمی را پوشش می‌دهد و اصل همه‌جانبه‌نگری در تربیت رعایت می‌گردد.

دوم، امروزه نیاز تربیت فرد جامعه بیشتر در قالب ساحت‌ها و قلمروهای تربیتی مطرح می‌شود. معمولاً سؤال می‌گردد تربیت دینی چیست؟ تربیت اخلاقی کدام است؟ و تربیت جنسی و دیگر اقسام تربیت را چگونه در خانه، مدرسه و جامعه پیاده کنیم؟ پیروی از الگوی تعیین ساحت‌های تربیت پاسخی به این نیاز است.

سوم، این الگو مباحث تربیتی را بیشتر به سوی مسائل کاربردی سوق می‌دهد و ما را بیشتر به نظام تربیتی ایجابی و کاربردی نزدیک می‌سازد و چه بسا بتوانیم با پیروی از این الگو مسائل تربیتی را به صورت عینی، جزئی و کاربردی مطرح کنیم.

شایان گفتن است که در هر ساحت از ساحت‌های تربیت، از حدود و قلمرو و مؤلفه‌های اصلی آن ساحت، از قبیل مبانی، اهداف، اصول و روش‌های مرتبط بدان نیز بحث و بررسی کرده‌ایم، و این در واقع، بدان معناست که از الگوی دوم، یعنی الگوی مؤلفه‌ها، نظام تربیتی نیز به نوعی — به عنوان الگویی تکمیلی — بهره برده‌ایم. البته تلاش ما بر این بوده است که در بیان مؤلفه‌های ساحت‌های تربیت، به مؤلفه‌های خاص هر یک از ساحت‌ها بسنده کنیم و از تکرار موارد مشترک خودداری ورزیم.

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۹، ۱۵۰ و ۴۲۲.
۲. همان، ص ۲۸۸.

با در نظر گرفتن این امور، در این کتاب، پس از بیان کلیات بحث در فصل اول، اندیشه و نظام تربیتی امام خمینی علیه السلام را در پنج ساحت در طی فصل‌های پنج‌گانه بعدی، بدین ترتیب بررسی خواهیم کرد: تربیت اعتقادی و عبادی، تربیت اخلاقی و عرفانی، تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت علمی، عقلی و فناوری، و تربیت زیبایی‌شناختی و هنری.

دورنمایی از اهداف کتاب

در این پژوهش، اهداف ذیل در نظر هستند:

۱. آگاهی از ابعاد گوناگون شخصیت عظیم و ممتاز امام خمینی علیه السلام و نیز بررسی آثار علمی او، به‌ویژه در ساحت تربیت، اخلاق و عرفان؛
۲. بازشناختن سنا، مفاهیم و ماهیت تربیت، و نیز نگاهی به رویکردها و مکاتب تربیتی و آشنایی با ویژگی‌های دسترس‌پذیر تربیتی امام خمینی علیه السلام؛
۳. نشان دادن ضرورت انباشتن اندیشه‌های تربیتی امام خمینی علیه السلام براساس الگوی ساحت‌های تربیت؛
۴. بیان دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام در ساحت‌های تربیت اسلامی؛
۵. بازشناختن بنیان‌ها و زیرساخت‌های اندیشه تربیت امام خمینی علیه السلام: بی‌تردید تبیین و تحلیل نظام‌مند آرا و اندیشه‌های امام خمینی در ساحت‌های تربیت ما را به وادی عرفان و فلسفه و فقه می‌کشاند که باید در تبیین آنها مبانی فقهی، عرفانی و فلسفی ایشان را بازشناسی کنیم؛
۶. آشنایی با راهکارهای تربیت معنوی: با توجه به اینکه امام خمینی علیه السلام تجسم اخلاق، عرفان و تربیت؛ و سبک زندگی‌اش اخلاقی، تربیتی عرفانی بود، به‌درستی را در حیطه تربیت، اخلاق و سلوک را نشان داده است.

در خاتمه، الطاف بی‌پایان خدای ربّوف رحیم را که توفیق داد تا در سیر تبیین آرای تربیتی دانشمندان مسلمان، به پژوهش در آرا و دیدگاه‌های تربیتی امام خمینی علیه السلام پردازم و حاصل آن را تقدیم جامعه علمی کنم، سپاس می‌گزارم و به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پاکش درود می‌فرستم. وظیفه خود می‌دانم از همه سروران عزیزی که در سامان یافتن این تحقیق همراهی و مساعدت کرده‌اند، به‌ویژه از اعضای شورای علمی گروه علوم تربیتی و مدیر محترم گروه، و ارزیابان گرامی این اثر، دکتر حسن ملک‌پور و حجة الاسلام والمسلمین دکتر سعید بهشتی، و نیز از بخش‌های اجرایی و پژوهشی، و اداره نشر و ویرایش و کتابخانه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تشکر کنم.

نگاهی به شخصیت تاریخ‌ساز امام خمینی علیه السلام و آثار علمی ایشان

امام خمینی خورشید فروزان در آفاق آسمان تمدن اسلامی و شخصیت تاریخ‌ساز جهان اسلام است که هرگز فروغ و درخشش پایان ندارد. نام‌آور بزرگ دوران معاصر انسان کاملی بود که علم و عمل را به هم آمیخت و عرفان و اخلاق را در خود تجسم بخشید و به دلیل بهره‌مندی از علوم متعدد و متنوع، جامع معقول و منقول بود. او فقیه، اصولی، مفسر قرآن، محدث، فیلسوف، عارف، معلم اخلاق، دارای طبع لطیف و سرائش شعر، سیاستمدار، زمان‌شناس و مردم‌شناس و نمونه برجسته انسان تربیت‌شده در مکتب الهی و بهره‌مند از حیات طیه بود.

اهمیت و برجستگی امام خمینی تنها به جامعیت و تزلّع و تبحر در علوم گوناگون خلاصه نمی‌شود، بلکه وی دانشمندی پارسا، عارفی شجاع، فقیهی ژرف‌اندیش، نظریه‌پرداز دقیق، حکیمی سیاستمدار و متدین و ولایت‌مداری غیرتمند و احیاگر و مجددی پرتوان بود. قله ایمان، تعهد و پابندی، اندیشه عمیق، وارستگی اخلاقی، شوریدگی عرفانی، قدرت اراده، قدرت تسلط بر نفس، توکل سل‌زدنی، شجاعت و ظلم‌ستیزی و صبر و استواری از دیگر درخشش‌های اویند. وی با اعمال راسخ، استوار به خداوند و بصیرت باطنی و فراست سیاسی و مدیریت انقلابی بزرگ‌ترین تحول را در تاریخ سیاسی جهان پدید آورد.

در اینجا به منظور آشنایی بیشتر با شخصیت درخشان و ممتاز امام خمینی و تبیین ضرورت این پژوهش، نکات برجسته وجود پُر فیض وی را بیان می‌کنیم و به بررسی آثار علمی و تألیفات ارزشمند وی می‌پردازیم.

الف) ویژگی‌های برجسته

۱. جامعیت شخصیت

معنا و مفهوم جامعیت شخصیت این است که شخصی در بُعد علمی و عملی از کمالات و صفات متکثر، متنوع و متعدد در نصابی دست‌نیافتنی بهره‌دار باشد، آن‌سان که در شرایط معمولی فراهم آمدن همه آنها در یک نفر ممکن نباشد و متضاد بنماید. شخصیت امام خمینی چنان جامع و کامل بود که در قالب‌ها و ساختارهای رایج و مرسوم نمی‌توان آن را گنجانید؛ زیرا کمالات علمی و عملی به‌ظاهر متضاد در او یکجا جمع بود، وی در عین اینکه از برجسته‌ترین فقهای عصر بود و جامع و عمیق و وسیع به مباحث فقهی پرداخته بود؛ و به مقام رفیع

اجتهاد و افتا، بلکه به نظریه پردازی عمیق و بدیع در فقه دست یافته بود، در فلسفه و عرفان نیز که معمولاً با فقاہت قابل جمع نیست احاطه و تسلطی بی نظیر داشت و در عین اینکه فقیه بی بدیل و فیلسوف و عارف بی نظیر به شمار می آمد، در عرصه سیاست و امور سیاسی و مصالح اجتماعی و حکومتی نیز بی رقیب بود.

نکته درخور دقت این است که زهد و دنیاگریزی با حضور مستمر در متن حوادث اجتماعی و آگاهی کامل از مشکلات اجتماعی و سیاسی ایران و جهان و تصمیم گیری سیاسی به موقع و دقیق قابل جمع نیست، اما امام خمینی توانست میان فقه و عرفان و سیاست جمع کند و با اینکه در زمینه زهد و دنیاگریزی پیشواز بود و همواره بر ساده زیستی، زهد و قناعت اصرار داشت، با این وصف رهبر سیاسی اجتماعی بی بدیل نیز بود و بزرگ ترین انقلاب سیاسی و اجتماعی را رهبری کرد و به پیروزی رسانید و نه تنها حاکمیت جمهوری اسلامی را براساس یک نظریه دینی بنیان نهاد و پس از آن در سخت ترین شرایط اجتماعی و سیاسی، امور کشور را از مسیر بسیار سخت توطئه ها و محاصره های سیاسی، اقتصادی و نظامی و جنگ هشت ساله عبور داد و در همه این زمینه ها با توفیق کم نظیری همراه بود.

امام خمینی علیه السلام در حوزه سیاست تحرش فراوانی داشت و نسبت به سیاست جهانی و شرایط سیاسی اجتماعی دیگر جوامع بی توجه نبود، بلکه در برابر مشکلاتی که مستکبران و ستمکاران برای مظلومان و محرومان در سراسر جهان پدید می آوردند، تصمیم های سیاسی نافذ، جامع و بجای می گرفت. وی منادی حقوق بشر در دنیا بود و همین امر موجب می شد که هرگاه اطلاع می یافت در دورترین مناطق جهان بر مظلومان و مسلمانان ستم می شد، با اسلام با هجمه دشمنان روبه رو شده، مردانه و غیرتمندانه برمی خاست و می خروشید و فتوای داد و موضع گیری می کرد، با این همه ساده زیستی و زهد او زیانزد خاص و عام بود.

جلوه های شگفت آور ابعاد گوناگون شخصیت امام خمینی بسیار است و آنچه گفته شد تنها اشاره ای کوتاه به جامعیت شخصیت وی بود، واقعیت این است که وقتی امام خمینی را در کنار عالمان و فقیهان و رهبران حرکت های اسلامی قرار می دهیم و به مقایسه می نشینیم ملاحظه می کنیم که او سخت بی همتا و یگانه و منحصر به فرد و شخصیتی کاملاً استثنائی است و حساب او از دیگران جداست و درمی یابیم همه ویژگی ها در امام خمینی، فراتر از معمول انسان های برجسته و رهبران حرکت های اسلامی بوده است.

۲. قله ایمان و خلوص

پایه و اساس تعلیم و تربیت اسلامی شناخت خدا، ایمان و اعتقاد و جلب رضایت اوست و هیچ چیزی در این عرصه همتای جلب رضایت باری تعالی نیست. مربی واقعی نیز کسی است که از خویشتن خویش بمیرد و از همه تعینات و تعلقات که مانع اتصال به جناب قدس الهی است رهایی یابد و وجهه بشری بودن او در وجه ربوبی محو گردد و به یقین بیاید که هستی منحصر به خداست و همه مخلوقات و مصنوعات و همه اشیا مظاهر و نمودهای او هستند و عوالم وجود و همه رخدادها، آینه جمال و جلال اویند و همه تقدیرها و تدبیرها به دست او رقم می‌خورند، پس چهره هستی خویش را تنها متوجه جلب رضای الهی کند و انگیزه‌ای جز انگیزه الهی نداشته باشد.

امام خمینی علیه السلام عبد صالح خدا به بارگاه رفیع معرفت و ایمان توحیدی بار یافت، آن‌سان که از خود و بسوی الله به کلی فانی و خالی شد و هرگز خشنودی غیر خدا را در قیام و قعود خود و در شرایط گوناگون زندگی و وجهه همت خویش قرار نداد، بلکه محور تمام رفتار و گفتار و کردار و قیام و قعود وی به اخلاص و همراه بود و در همه مراحل زندگی و در همه حالات و موقعیت‌ها و شرایط مخالف و متغیر و در هدفی جز جلب رضایت الهی و احیای کلمه علیای خداوند نداشت و رمز اصلی موفقیت ایشان نیز اخلاص بود.

امام خمینی علیه السلام در برنامه مبارزاتی خود نه با عنوان یک انسان آزاده و نه به عنوان فرزانه دادگر، یا خردمند دادخواه، بلکه به استناد دستور دینی، معبد و تقید شرعی به پا خاست و با جامعیت علم و معرفت و ایمان و اعتقاد راسخ و قوت قلبی و باطنی، با اصلاحات سخن گفت و اسارت، تبعید، زجر و زندان و ضرب و جرح و هجرت و شهادت فرزندان را پذیرفت. در سال‌های متمادی مبارزه، دوست و دشمن دریافتند که امام خمینی فقط برای خدا کار می‌کند و معبر مریضی است که بتواند سکون و سکوت را از جامعه اسلامی بزداید و جان شیفتگان حق و حقیقت را متاعل سازد.

امام خمینی علیه السلام در شرایطی که یار و یاور و عده و عده‌ای نداشت و دست‌نهاد در اوج قدرت بود و همه می‌گفتند با دست خالی نمی‌توان با طاغوتیان مبارزه کرد و هر نوع مبارزه شورش، کور و بی‌حاصل و محکوم به شکست است، با تکیه بر ایمان به خدا و عشق به دین قیام کرد، و خروشید و مردم را بیدار کرد و ندای رسای جهاد در راه خدا و *لَوْ بَلَغَ مَا بَلَغَ* را طنین انداخت.^۱ و با استمداد از امدادهای غیبی نقاب ظلم و ستم را از هم درید و رهایی و آزادی را بشارت داد. وی

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۸.

در شرایط مبارزه که سخت به عِدّه و غُدّه نیاز داشت از معاضدت گروهک‌های منحرف و افراد گمراه نیز به‌شدت پرهیز داشت و یاران خود را از همراه ساختن آنها برحذر می‌داشت.^۱

جلوه‌های اعجاب‌آمیز ایمان و خلوص امام خمینی بسیار است؛ وی سراسر عمر پربرکتش را وقف تحقق آرمان‌های اسلام و احیای آیین محمدی کرد و با شهامت و دلیری همه سختی‌ها، تهدیدها و حوادث بسیار تلخ را به جان خرید و در همه حال، اوج ایمان و اخلاص خود را نمایان ساخت.^۲

او هرگز داعیه مرجعیت و زعامت نداشت و از هر گونه رفتار و گفتاری که چنین شائبه‌ای برانگیزد سخت پرهیز می‌کرد و شاگردان و یاران خود را از ترویج و تبلیغ برای این امور برحذر می‌داشت.^۳ امام خمینی همه حرکت خویش را براساس تکلیف الهی انجام می‌داد، به‌طوری که برای نگارش یک کتاب در شبهات مخالفان اسلام یک ماه تا چهل روز تدریس روزانه حوزوی و دیگر مطالب فقهی اصولی خود را با رضایت و خشنودی تعطیل کرد.^۴ او هرگز به نزدیکان و فرزندان خود، حتی برای آقا الله حاج آقا مصطفی خمینی که مقام علمی او نزد فضلا مبرهن بود، اجازه دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و نمی‌گذاشت فرزند و حتی برادرش در کار شخصی ایشان دخالت کنند.^۵ وی با اینکه «بیا بیدار» کرد و یک دهه، جهان را به اسلام و ایران و شخصیت بارز خود متوجه ساخت و ابرورد،^۶ را با نهیب خود به لرزه انداخت، اما هرگز خود را به عنوان رهبر مطرح نکرد، بلکه همواره می‌گفت: «اگر به من بگویند خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر».^۷ «تا حیات دارم خدمتگزار همه هستم، خدمتگزار ملت‌های اسلامی، خدمتگزار ملت بزرگ ایران...، خدمتگزار همه قشرهای کشور».^۸ با همه این اوصاف، در آخر وصیتنامه خود چنین آورد: از ملت امیدوارم عذرم را در کوتاهی‌ها، قصور و تقصیرها بپذیرد.^۹

۳. برجستگی عرفانی اخلاقی

بینش بی‌نظیر و موضع‌گیری‌ها و راهنمایی‌ها و هدایت‌ها و پیش‌بینی‌های بی‌بدیلی که امام خمینی علیه‌السلام در مقاطع بحرانی و حساس انقلاب اسلامی و پس از آن، در خلال صدها رهنمود راهگشا خطاب به

۱. جوادی آملی، بنیان مرصوص، ص ۱۶.

۲. امام خمینی، صحیفه نور، مقدمه (نگاشت مقام معظم رهبری).

۳. امام خمینی، صحیفه نور، مقدمه (نگاشت مقام معظم رهبری).

۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۶۳.

۵. همان، ص ۴۷۱.

۶. همان، ص ۴۷۱.

۷. همان، ص ۴۷۱.

۸. همان، ص ۴۷۱.

۹. همان، ص ۴۷۱.

ملت ایران، مسئولان کشور و مسلمانان جهان نمایند، تنها از فراست سیاسی او نبود، بلکه از بصیرت باطنی عرفانی او برمی‌خاست. او تمام قوس وجود را من الله و الی الله می‌دانست و سراسر منظومه فکری او با خوش بینی پیوند خورده بود؛ زیرا به درستی به ساحت قدس عرفان پا نهاد و سلوک عرفانی و طریقه مجاهده نفسانی را تجربه کرد و رسم بندگی و دلدادگی و همنشینی با خدا را تمرین کرد و تنها او را می‌دید و فقط به رضایت او می‌اندیشید و آنچه را بر او واقع می‌شد با رضایت‌مندی و صف‌ناپذیر پذیرا بود و این بصیرت باطنی بود که نه تنها فراست و بینش سیاسی وی را بار و بر می‌داد، هدایت می‌کرد و بر آن اشراف داشت، بلکه بر همه شئون و ابعاد علمی و عملی او پرتوافشانی داشت. بنابراین، بارزترین وجه تمایز شخصیت امام خمینی بر جستگی عرفانی معنوی اوست.

عرفان امام خمینی سه ویژگی داشت:

الف) عرفان متمم بر متون دینی: امام خمینی، بر مبانی عرفان نظری و عملی احاطه و تسلط کامل داشت و آن امر مهم از آثار و نوشته‌های عمیق عرفانی وی، همچون تعلیقه بر فصوص الحکم ابن عربی و سیار الانس فناری و توضیح و تبیین منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری و آثار عرفانی دیگر کاملاً آشکار است؛ اما ره‌توشه امام خمینی از عرفان تنها این نبود، بلکه با توجه به اینکه وی بر متون احادیث تسلط کامل داشت و از توانایی فقهی حدیثی در حد اعلای بهره‌دار بود، با استناد به احادیث و روایات و مرکز بر دعاها و مناجات ائمه هدی (علیهم‌السلام) به تفسیر و تحلیل توحید و نیز شرح ولایت و حقیقت نبوی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه هدی پرداخت و کتاب ارزشمند مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة را به نگارش درآورد و بیش از آن به تفسیر و تبیین دعای سحر حضرت امام باقر (علیه‌السلام) پرداخت و آنگاه به شرح و تفسیر در حدیث از احادیث اخلاقی عرفانی معصومان (علیهم‌السلام) همت گمارد و درباره نماز عبادان در معراج سالکان، سر الصلاة و آداب الصلاة را نگاشت و در نهایت شرح حدیث جنود عقل و دل را در سال ۱۳۶۳ ق، یعنی در ۴۳ سالگی به عنوان نظام‌مندترین و کامل‌ترین شرح دیدگاه‌های خود در باره اخلاق و عرفان تدوین کرد. افزون بر اینها، وی اهمیت بسیاری برای مطالعه و قرائت ادعیه ائمه اطهار قائل بود و جان و دل نورانی او پیوندی مستحکم و سنجیتی ویژه با مناجات شعبانیه داشت و در قنوت نماز و در پایان درس پاره‌ای از جملات آن را می‌خواند و دیگران را نیز به خواندن آن توصیه می‌کرد. بنابراین، پایه و اساس عرفان امام خمینی متون دینی و شریعت اسلام بود که در قرآن و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) و در دعاها و مناجات‌ها بیان شده است و بدین سبب باید بگوییم عرفان امام خمینی عمیق‌ترین و اصیل‌ترین نمونه عرفان اسلامی است.

ب) درهم آمیختگی عرفان نظری و عملی: امام خمینی علیه السلام از عارفانی بود که با چنگ در زدن به ریسمان محکم ولایت و امامت و با استناد قرآن کریم و آثار اهل بیت عصمت و طهارت، عرفان نظری و عملی را درهم آمیخت و در صحنه زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی مفاهیم عرفانی را عینیت بخشید و علم را به عین آورد، او همه عوالم وجود را جلوه ذات ربوبی می دانست، این حقیقت را او فهمید و به درستی بررسی کرد و به آن ایمان آورد و در مرحله عمل همه حرکات و سکنات و گفتار و رفتار خود را در محضر رب العالمین می دید و آنی از یاد خدا غافل نشد و همه زندگی اش از قیام و سکوت و هجرت، همه برای خدا بود، در خانه، مدرسه و جامعه جز برای خدا کاری نکرد و در موقع خطر و زندان رشک‌نجه و تبعد و در جنگ و صلح و در هر شرایطی، به خدا اعتماد داشت. او به هنگام قدرت هم به درستی این حقیقت را یافت که زمامداری و رهبری سکه‌ای است که دوروی دارد؛ یک روی آن خرافه‌الذات است و روی دیگر آن به گفته امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام عطسه بزماده و استخوان بی گوشت است. در سیاست بیمار جذامی. او به حقیقت رهرو خستگی ناپذیر وادی عشق بود که با پای عشق، به شریعت عمل کرد و به طریقت و حقیقت دست یافت، حتی عرفان را در صحنه سیاست پیاده کرد و طریقت و حقیقت را با سیاست و مدیریت اجتماعی همسو ساخت. وی در این زمینه سخن دلپذیری دارد: «آنها که فکر می کنند بدن شریعت می توانند به مقصد برسند هیچ شاهد و دلیلی ندارند؛ زیرا خداوند متعال که راهنماست در راه را عمل به شریعت می داند و آنها که می پندارند با عمل به شریعت نمی توان به طریقت رسید، آنها هم شریعت را درست نشناختند و به آن عمل نکردند و آنها که با سیر و سلوک و شریعت و طریقت هماهنگ شدند، ولی به حقیقت بار نیافتند، برای آن است که به درستی طی طریق نکردند».^۱ به محال، یکی از درخشان ترین جلوه های شخصیت امام خمینی آن بود که در عمل و نظر میان علم و فقه و سیاست و رفاهان جمع کرد و از طریق عمل به شریعت، به طریقت و حقیقت ناب دست یافت.

ج) عرفان در متن زندگی: امام خمینی علیه السلام شخصیتی بود که در عرفان نظری متخصص و در عرفان عملی اهل سیر و سلوک بود و مقامات عرفانی را به بهترین وجه پیموده بود، ولی به هیچ وجه از گروه های رسمی عرفان و تصوف نبود و رفتار و گفتار و سبک زندگی او با رفتار دیگران در ظاهر هیچ تفاوتی نداشت و آداب سلوکی او همان آداب فقهی بود و عرفان او با عقلانیت همراهی تام داشت و بر همه آنچه از مرز عقل سلیم، شرع کریم و اعتدال خارج بود، خط بطلان کشید و از

۱. همو، تعلیقه بر فصوص، فص ایوبی، ص ۶۶.

انزواگزینی، دنیاگریزی و زهدگرایی و ریاضت‌های عقل‌ستیز، سخت‌حذر داشت و به بلندپروازی‌ها، گرافه‌گویی‌ها و لاف‌زنی‌ها و داعیه‌پردازی‌ها بیم می‌داد. او اذعان داشت که زهد اسلامی، غیر از رهبانیت و دنیاگریزی است و روح اسلام و مرام و مسلک پیشوایان معصوم علیهم‌السلام این است که دنیا و آخرت به یکدیگر پیوسته‌اند، اما برای تعالی دادن روح و صفا بخشیدن به زندگی دنیا، باید ملاک‌های اخروی وارد زندگی دنیوی شوند و انسان مؤمن به مبدأ و معاد، در عین اینکه در جامعه زندگی می‌کند و مسئولیت اجتماعی می‌پذیرد، همواره می‌کوشد زندگی ساده و بی‌تکلفی داشته باشد. بنابراین، عرفان امام، از یک سو عرفان بندگی و راز و نیاز و آرامش بود و از سوی دیگر، عرفان حد‌آسه و رزم و خروش و در یک کلام، عرفان زندگی بود.

۴. فقاہت و اجتهاد

امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ از برجسته‌ترین فقهای تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید، فقهی بی‌بدیل که توفیق تأسیس حکمت اسلامی بر مبنای نظریه کلامی فقهی «ولایت فقیه» از ویژگی‌های اوست. حوزه درس فقه و اصول رحمۃ اللہ علیہ از نظر حقیق و عمق علمی در زمره نخستین حوزه‌های درسی حوزه در میان سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۴۰۰^۱ به شمار می‌رفته است و این بدان سبب بود که امام خمینی در مباحث فقهی و اصولی سبب بسبک و روشی خاص بوده و بحث و تحقیق و ژرف‌نگری و ریشه‌ای بحث کردن را با تتبع در تاریخ مسئله فقهی و اصولی و بیان سیر اقوال فقیهان توانا می‌کرد و بنیان نوینی را در فقه پی‌ریزی کرد.

امام خمینی به فقه سنتی و جواهری دلبستگی نداشت و برکرر بدان توصیه می‌کرد.^۱ و اصولاً روش دیگری را صحیح نمی‌دانست؛ زیرا اعتقاد داشت، اساس فقه بر ژرف‌بینی و تحلیل و تحقیق و اجتهاد استوار، بنیان شده و از این طریق است که می‌تواند به حل مسائل فقهی پی‌برد و به نوآوری‌های بدیع فقهی دست یافت.^۲ راز اصرار امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ بر فقه سنتی و اجتهاد جواهری، دو امر بود؛ یکی، تحقیق و تحلیل و ژرف‌نگری و علت دیگر، آن بود که صاحب جواهر، فقه و فقیه را از مهجوری و انزوا خارج ساخت و فقه و فقاہت را به صحنه سیاست و جامعه کشاند و از مسئله ولایت فقیه که در حقیقت حاکمیت و ولایت فقیه و فقاہت است، به عظمت سخن گفت و چنین بیان داشت: اگر کسی منکر ولایت فقیه باشد، گویا اصلاً طعم فقه را

۱. همو، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸۰.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۹ و ۴۲۵.

نچشیده است.^۱ البته این مسئله نیز نباید فراموش شود که امام خمینی در عین اینکه از اجتهاد جواهری به صورتی محکم و استوار ترویج می‌کرد، اما نسبت به محاسن روش‌های جدید و نیز علوم مورد احتیاج حوزه‌های علمیه نیز بی‌توجه نبود.^۲

لازم است بدانیم که امام خمینی رحمته الله علیه به منظور احیای فقه و فقاہت و تحقق عینی باز بودن باب اجتهاد، به فهم و درک موضوعات عرفی و آنس داشتن با محاورات عرفی،^۳ و مقتضیات زمان و مکان و شناخت درست مصالح و واقعیات اجتماعی و دخیل دادن زمان و مکان در روابط حاکم بر سیاست و اقتصاد برای شناخت درست موضوع فقهی، اهمیت ویژه قائل شد و فقه و فقاہت را به سمت مسائل اجتماعی و سیاسی جهت داد؛ زیرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسائل فقهی، رای فقهی فقیهان در سطح جامعه و رسانه‌ها مطرح شده بود و حل مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نیاز جامعه بود و این بود که امام خمینی در جهت ایجاد بینش عمیق سیاسی اجتماعی به اهل علم و حوزویان و عموم مردم همت گمارد و خطاب به فقیهان و حوزویان مطالبات جدی خرد را مطرح ساخت که درباره مالکیت و اقسام و محدوده آن، انفال و ثروت‌های عمومی، مسئله بهار، ارز و بانکداری و مالیات، تعیین حدود حاکمیت ولایت فقیه، تجارت داخلی و خارجی، مسائل هنری و فرهنگی، پیوند اعضا، توسعه، یا جلوگیری از موالید، حدود و دیات و ده‌ها مسئله دیگر، به صورت جدی تحقیق و مطالعه کنند.^۴

نکته مهم آن است که دیدگاه‌های فقهی امام خمینی در باب مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمانی به درستی فهم و درک می‌شود که خواست قلبی، مشی عملی و فتوای سیاسی و انقلابی و هدایت‌های عمیق و وثیق وی را به درستی درک کنیم. اینک برای نمونه خواست قلبی وی که در پایان کتاب ولایت فقیه در قالب دعا بیان شده توجه می‌کنیم:

بارالها، دست ستمگران را از بلاد مسلمین کوتاه کن، خیانتکاران به اسلام و ممالک اسلامی را ریشه کن فرما، سران دولت‌های اسلام را از این خواب گران بیدار کن تا در مصالح ملت‌ها کوشش کنند و از تفرقه‌ها و سودجویی‌های شخصی دست بردارند. نسل جوان و دانش‌جویان دینی و دانشگاهی را توفیق عنایت فرما تا در راه اهداف مقدسه اسلام به پا خیزند و با صف واحد در راه خلاص از چنگال استعمار و عمال خبیث آن و دفاع از کشورهای اسلامی اشتراک مساعی کنند. فقها و دانشمندان را موفق بدار که در هدایت و روشن کردن افکار جامعه کوشا باشند.^۵

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸۰.

۴. همو، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

۱. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۷.

۳. همو، الاجتهاد و التقليد، ص ۹.

۵. همو، ولایت فقیه، ص ۱۵۳.

درخور گفتن است که امام خمینی، خود آنچه را در ابواب فقه تدریس کرد، فتوا داد، یا هدایت و ارشاد کرد و آرا و انظار فقهی او به شمار می‌آمد، به نگارش درآورد و هم‌اکنون این آثار در دسترس اند؛ از جمله کتاب الطهاره، کتاب البیع والخيارات، المكاسب المحرمه، ولایت فقیه، تحریر الوسیله و نیز، اثر فقهی مشتمل بر فتاوی امام خمینی که به تبیین و توضیح مسائل مستحدثه پرداخته و رازگشای بُعد فقهی امام به‌طور خاص است.

۵. فراست و سیاست

امام خمینی شخصیتی است که بر بام تاریخ ایستاد و یکی از تاریخ‌سازان قرن بیستم شد. او صاحبان فکر، اندیشه و نخبگان جهان را به تأمل واداشت که بیش سیاسی و فراست اجتماعی و مدیریت انقلابی این شخصیت مذهبی و روحانی چه بود که توانست با عبور از شرایط و اقتضاهای موج، تحول عظیم در ایران پدید آورد و بزرگ‌ترین انقلاب سیاسی اجتماعی اسلامی را رهبری کرد و پیرزی برساند؟ نگرش سیاسی اجتماعی امام خمینی چه بود که پس از نهضت او، همه مسلمانان جهان به هویت اسلامی خود پی بردند و مسلمانی را مایه افتخار دانستند، بلکه پیروان دیگر ادیان و خدایرستان نیز به دین و دینداری و التزام دینی مباحثات کردند؟ خاستگاه فراست و سیاست امام خمینی - بود که ملت‌های مرده، ناامید و ساکت و ساکن را بیدار ساخت و جان شیفتگان حق، عدالت را مشتعل کرد و در آنها شور و هیجان آفرید، آن‌سان که اینک در دورترین مناطق جهان آمل و آرزوهای امام، آرزوی میلیون‌ها مسلمان انقلابی شده است؟ او چگونه توانست نظام طاغوت و استغامت شاهنشاهی را خوار و حقیر و بی‌مقدار سازد و ابهت قدرت‌های بلوک غرب و شرق را در هم شکند و نور بیداری و خیزش را در میان مسلمانان جهان پرتو افکن سازد؟ و بالأخره، فراست و سیاست مدیریت امام خمینی چگونه بود؟

در پاسخ پرسش‌های یادشده باید گفت امام خمینی علیه السلام هویت خود را در بندگی خدا می‌دانست و باور داشت که وظیفه شرعی حتمی دارد که دستورهای خداوند را در زندگی فردی و اجتماعی تحقق بخشد و با توجه به اینکه سیاست را از دیانت جدا نمی‌دید، اصلاح جامعه را در دانایی و آگاهی مردم می‌دانست و به این امر مهم اذعان داشت که جامعه از لحاظ دینی و سیاسی و فرهنگی باید متحول شود. از این‌رو، تلاش کرد تا یک تحول دینی و انقلاب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پدید آورد و ملت ایران و مسلمانان جهان را با معارف اصیل و ناب اسلام آشنا سازد،

خرافات و اندیشه‌های بی‌بنیاد و کژاندیشی‌ها را از اعتقادات و گرایش‌های آنان بزداید و با تعلیمات و هدایت‌های خود، مردم ایران و جهان را به حقیقت مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) نزدیک سازد و هویت ازدست‌رفته مسلمانان و شیعیان را به آنان برگرداند و به ایشان تفهیم کند که رسالت مسلمان در سراسر گیتی حفاظت و صیانت از معارف اصول دین و مذهب، تقید دینی و التزام عملی به دستورهای الهی، مبارزه با ظلم و استبداد و استعمار و حفظ وحدت اسلامی در سراسر جهان است.

فراست و سیاست امام خمینی (ره) آن بود که مبارزه مسلحانه بی‌فایده است و باید دانایی جامعه به نصب مطلوب برسد. از این رو، با پیام‌ها، سخنرانی‌ها و هدایت‌های خود مردم را برانگیخت و رنگ‌ترین انقلاب فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را رهبری کرد و در همه رخدادها، حوادث و مسائل سیاسی و اجتماعی در هر گامی خط انقلاب را با آگاهی کامل و برنامه‌ریزی دقیق و سازمان‌دهی دقیق ترسیم کرد؛ بدین سان که در آغاز آرا و دیدگاه‌های خود در حوزه سیاست و حکومت را که اسلام بوده و گرفته از آیین اسلام و حکمت سیاسی اهل بیت (علیهم‌السلام) بود، به‌درستی تبیین کرد و در این راستا به تربیت شاگردان و یاران برای ایجاد و گسترش حرکت خود پرداخت و چون توانست به اندازه ضرورت و قدر نیاز ارانی تربیت کند، به هدایت جامعه همت گمارد، تا آن را به سوی اهداف الهی نزدیک سازد. فعالیت‌های امام خمینی (ره) قریب پانزده سال در زمینه کارهای مقدماتی طول کشید و رفته‌رفته به یک تحول بنیادین در کشور ایران انجامید و ملت ایران طی یک دوره نه‌چندان طولانی به مرحله به‌روزی رسید و پس از آن در سخت‌ترین شرایط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی امور کشور را در دست بسیار دشوار توطئه‌ها، تهدیدها و محاصره‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی عبور داد و در همه این زمینه‌ها با توفیق و امداد الهی همراه بود.

گذشته از اینها، امام خمینی در طول این مدت از رسالت جهانی خود غافل نبود. از این رو، در هر فرصت، مسلمانان و شیعیان را با معارف ناب اهل بیت و وظایف سترگشان آشنا می‌ساخت، بلکه از این فراتر، همت بلند امام خمینی (ره) به این نیز محدود نشد و در بهمن ماه ۱۳۶۷ش، نامه‌ای به میخائیل گورباچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق فرستاد و قاطعانه پیش‌بینی کرد که رژیم شوروی به پایان عمر خود رسیده و صدای در هم شکستن استخوان‌هایش شنیده می‌شود. بنابراین، با توجه به لایه‌های حرکت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی امام خمینی (ره)، چهره تابناک ابرمرد را مشاهده می‌کنیم که نور اندیشه‌اش سراسر تمام عالم را فراگرفته است.